

## عبدالوفیع حقیقت (رفیع)

## نهضت‌های ملی ایران

(۱۰۹)

## اهمیت وجود طغل از نظر سیاسی و نظامی

رکن‌الدین ابوطالب (طغل بیگ) سرانجام در هفتاد سالگی از دنیارفت، وی قائد و پیشوای ترکان دلیر بیشماری بود که از مشرق برخاستند، و هر چند همگی مسلمان بودند، لیکن تمامی سلطنت و امارت اسلامی را برآورد اختنند. همان سلطنت و امارت‌هایی که تابع خلافت بودند و قول وفاداری نیز به خلیفه داده بودند.

وی که از شخصیت‌های برجسته نظامی این دوره بشمار می‌رود در اثر اقدامات پی‌گیر سیاسی و نظامی طایفه خود را مربلند کرده و از گله‌چرانی و راهزنی بجایی رسانید که دارای امپراطوری وسیع گردیدند. از حالات این مرد فوق العاده، کم بر ما معلوم است جز اینکه نوشه که او در هنگام ضرورت تن و خشن یا سخت دل بود، در آئین ورسوم مذهبی خود سخت و دقیق وبالاخره رازپوش و سرنگهدار بوده. لیکن زیاده از اندازه‌ای که تربیت و پرورش او و نیز اوضاع و حالات اقتضا کند دارای فتوت و جوانمردی بوده است.

## فرمانروایی آلب ارسلان

طغرل بیگ سلجوقی در زمان حیاتش عصداالدین ابو شجاع آلب ارسلان فرزند چغزی بیگ برادر کوچک ملک قاورد<sup>(۱)</sup> را به جانشینی خود تعیین نمود، بعد از وفات طغرل، وزیرش عمیدالملک ابو نصر کندری برای احراز مقام سلطنت به سلیمان برادر آلب ارسلان متمایل شد. بهمین جهت آلب ارسلان پس از استقرار بر سر بر سلطنت دستور داد ابو نصر کندری را دستگیر ساختند، بطوریکه نوشته‌اند<sup>(۲)</sup> خواجه نظام‌الملک طوسی که عنوان وزارت آلب ارسلان را یافته بود در قتل ابو نصر کندری اصرار داشت و عاقبت در این امر توفیق یافت و فرمان قتل عمیدالملک ابو نصر کندری (نیشابوری) وزیر مقتدر طغرل سلجوقی از طرف آلب ارسلان صادر و بمحله اجرا درآمد.

پیامی که او در هنگام مرگ برای آلب ارسلان و وزیرش خواجه نظام‌الملک طوسی فرستاده بدین قوار بوده است: (عمیدالملک جlad را گفت: چون از این هم فارغ شوی از من بیچاره پیغام به سلطان جهان و وزیر نافذ فرمان (خواجه نظام‌الملک) برسان و سلطان را باگوی مبارک خدمتی، خدمت در گاه شما بود، عمومی تو طغرل بیگ مرا بنعمت دنیا تی مخصوص گردانید و تو مرا به درجه شهادت رسانیدی، پس مرا از شما هم دنیا و هم آخرت حاصل شد و وزیر را بگوی که وزیر کشی بدعتی نامحدود داشت و قاعده مردود که تو به جهان آوردی زود باشد که این صورت در حق خود و اعقاب خود باز بیینی) دوره سلطنت آلب.

۱- ملک قاورد کرمان را در تصرف داشت وی مؤسس سلجوقیان کرمان است که مدت حکومتشان از سال ۴۴۳ تا ۵۸۳ هجری دوام داشت.

۲- آثار وزراء تألیف سیف الدین حاجی بن نظام عقیلی چاپ دانشگاه تهران صفحه

ارسلان اگرچه کوتاه بود (۴۵۵-۴۶۵ هجری) لکن از نظر نظامی در سراسر آن کارهای بسیار درخشان و بزرگ صورت گرفت.

وی در سال اول پادشاهی خود در سمت مشرق، هرات را مسخر ساخت، سپس جند واقع در ماوراء النهر را بتصرف درآورد، شورش فارس و کرمان را که توسط برادرش ملک قاورد برپاشده بود فرونشاند. نیروی خلفای فاطمی را در حججaz مغلوب کرد و بر حرمين (مکه و مدینه) دست یافت. آخرین کارآلپ ارسلان که مهمترین پیروزی وی بشمار می‌رود، غلبه بر سپاه روم و گرفتار ساختن رومانوس امپراطور روم است وی در سال ۴۶۴ هجری با دوازده هزار سوار جنگی گزیده در مغرب آسیای صغیر سپاه روم را که حداقل شمار آن دویست هزار تن بود در هم شکست و امپراطور دیوژن رومانوس را اسیر ساخت. جنگ منزقارنقطه برگشت تاریخ بیزانس تلقی شده است.

### جوانمردی آل ارسلان

درباره این پیروزی آخرین آل ارسلان بیشتر مورخان داستانی شجفت. انگیز آورده‌اند، از جمله در راحة الصدور راوندی چنین آمده است:

سعد الدله گهر آین که از امیران و بزرگان دستگاه آل ارسلان بود غلامی داشت بسیار کوچک اندام و حقیر، چنانکه نظام الملک نخست از پذیرفتن وی در سپاه امتناع می‌ورزید و به خنده می‌گفت: (از این مرد چه انتظار توان داشت؟ آیا امپراطور روم را اسیر تواند کرد) اما از اتفاقات عجیب روزگار آنکه همهٔ غلام امپراطور را گرفتار ساخت و اگر یک تن از همراهان وی هویت امپراطور را آشکار نکرده بود، غلام وی را کشته بود، زیرا هیچ نمی‌دانست که چه کسی را اسیر کرده است.

هنگامی که امپراطور اسیر شده را بخدمت آلب ارسلان آوردند وی بادست خود سه ضربه برآو نواخت و گفت: (آبا به تو اختیار صلح ندادیم و تو نپذیرفتی؟) امپراطور روم گفت: (مرا ملامت مکن واکنون چنان کنم که تو خواهی) آنگاه آلب ارسلان ازوی پرسید: (اگر تو مرا اسیر ساخته بودی، بسامن چه میکردی؟) امپرانور در پاسخ گفت: (بر توجور و سختی تمام روا میداشتم) آلب ارسلان گفت: (اکنون گمان می کنم که با توجه خواهم کرد؟) رومانوس گفت: (یا مرا خواهی کشت یا مرا برای تماشای مردم در شهر های اسلامی خواهی گرداند و با در ازاء خوبیهای عفوم خواهی کرد و زیر دست خویش قرار خواهی داد، و این سومی را چندان امید نمی دارم) آلب ارسلان گفت: (قصد من آنست که باتوهیمین طریقه سوم را که (گمان نداری) اختیار کنم) پس خوبیهای وی سه کرو دینار معین شد، بدآن شرط که تابنجاه سال صلح در میان باشد، سپاه روم به وقت و به اندازه که حاجت باشد در اختیار آلب ارسلان قرار گیرد، و همه اسیران مسلمان که به دست رومیان افتاده بودند آزاد گردند؛

پس از عقد این قرارداد سلطان خلعتی شریف از بهتر رومانوس فرمیاد، خیمه و خرگاه خاص برای او برپا داشت، پانزده هزار دینار جهت مصارف وی مقرر ساخت و گروهی از امیران و بزرگانش را نیز آزادی بخشید. سپس چون هنگام رفتنشان فرار سید، آلب ارسلان خود تایلک فرستنگ با آنان همراهی کرد و جمعی را در رکاب امپراطور فرستاد تا آنان را به سلامت به کشور خود باز گردانند، اما این شکست ننگین مقام و منزلت رومانوس را سخت تزل داد و از قراری که بنداری نوشته است<sup>(۱)</sup>:

(رعایای وی نامش را از دفترهای مملکت برداشتند و گفتهند که وی از شمار شاهان بیرون شده و مسیح بر او خشمگین است) رومانوس سرانجام بدست توٹنه‌چیان و دیسیه کاران دستگیر شد، مخالفانش پس از دست یافتن به او هردو چشمش را کور کردند، آنگاه همچنان در زندان بود تا از جهان در گذشت. در این جنگ بطوریکه مذکور است دسته‌ای از قشون مزدور فرانسه و نورمانها تحت فرماندهی اورسل بالیول حضور داشتند.

### مرگ آلب ارسلان

دو سال بعد از واقعه جنگ معروف آلب ارسلان و امپراتور روم یعنی در سال ۴۶۵ هجری آلب ارسلان در طرف دیگر مملکت خویش با خوارزمیان و ترکان بجنگ پرداخت، وی با دویست هزار نفر<sup>(۱)</sup> تا ساحل چیخون آمده بود و بیش از سه هفته گذشت تا این عده بدانسوی رود رسیدند. در این وقت مردی را که یوسف نرمی (خوارزمی)<sup>(۲)</sup> نام داشت و کوتواں قلعه‌ای در آن نواحی بود در برابر سپاه آلب ارسلان مقاومتی کرده بود، اسیر کرده پیش تخت سلطان آوردند.

از قراری که مورخان نوشته‌اند، آلب ارسلان از جوابهای تجاهل آمیز او غضبناک شده فرمان داد تا نزدیک تختش وی را در گچ بگیرند (یا چهارمین بکشند) کوتواں قلعه چون این فرمان بشنید، سلطان را دشناک داد و گفت: (آیا کسی چون من باید بدین گونه بمیرد؟) آلب ارسلان که سخت خشمگین شده بود، به محافظان کوتواں دستور داد اطراف وی را خلوت کنند و تیر کمان

۱ - کامل این اثیر حمله دهم صفحه ۲۵

۲ - در راحة الصدور و راوندی (نرمی) در تاریخ سلجوقیان کرمان (برزمی) و در تاریخ ابن الییر (خوارزمی) ضبط شده است.

برگرفت و تیری بسوی او انداخت.

بر حسب اتفاق با آنکه آل ارسلان در تیر اندازی و نشانه گیری شهرت داشت برخلاف انتظار در این لحظه حساس و خطرناک تیرش بخطا رفت، و کوتول که در این وقت رها شده بسود بسوی وی حمله ور شد و پیش از آنکه یکشنبه از دو هزار نفری که در حضور شاه ایستاده بودند قدمی پیش گذارد با کار دی که پنهان کرده بود، زخمی کاری و مهلكت به آل ارسلان زد، گهر آئین نیز که در این هنگام به مدد سلطان پیش دویده بسود چند زخم خورد تا اینکه عاقبت یکی از فراشان که بنا بر قول بنادری از ارامنه بودبا میخکوبی که در دست داشت ضربتی بر سر کوتول کویید و او را هلاک ساخت.

## سخنان آموزنده آلپ ارسلان در بستر مرگ

پس از واقعه زخمی شدن آلب ارسلان سلجوقی بشرحی که گذشت وی بیش از یکی دو روز زنده نماند و این مدت فقط کافی بود که او و صابا و خواهش‌های خود را با وزیر و فادر خود خواجه نظام‌الملک باز گوید. درخواست آلب ارسلان این بود که فرزندش ملکشاه بجای پدر بر تخت شاهی بنشیند.

بلخ جز قلمه آن که می بایست در تصرف یکی از سردارانش باشد بفرزند  
دیگر ش ایاز تعاق گیرد و برادرش قاورد همچنان بر ولايت فارس و کرمان باقی  
باشد . (۱)

آل ارسلان درحال تسلیم محض جان سپرد و درهنگام مرگ چنین میگفت: (من هرگز بی آنکه از خداوند یاری طلب کنم بکشوری لشکر نکشیده و دربرابر دشمنی صرف نبسته‌ام. اما دیروز هنگامیکه بر بلندی ایستاده بودم و زرین از بسیاری سپاه در زیر پایم بجنیش درآمده بود با خود گفتم من پادشاه

جهانم و هیچ نیرویی بر من غالب نتواند شد . از این روی خداوند متعال مرا بدست یکی از حقیرترین مخلوقات خویش هلاک ساخت ، من از خسدا طلب بخشایش می‌کنم و از اندیشه‌ای که برخاطرم گذشت نادم (۱) آلب ارسلان در مرو بخاک سپرده شد سنای غزنوی دریکی از قصاید خود دربارهٔ وی چنین آورده است :

سر آلب ارسلان دیدی زرفعت رفته بر گردون

به مرو آتا به خاک اندر سر آلب ارسلان بینی

### فرمانروائی ملکشاه سلجوقی

جلال الدین ابوالفتح ملکشاه سلجوقی پیش از آخرین لشکر کشی پسرش در خراسان به ولیعهدی برگزیده شد . بدین ترتیب هنوز هفده سالش تمام نشده بود که منصب خطیب سلطنت و زمامداری به او محول گردید (۴۶۵ هجری) البته جلوش بر تخت سلطنت خالی از معارض نبود ، ابتدا عمویش قاورد بیک که نخستین پادشاه سلاجقه کرمان بشمار می‌رود بطرف ری روانه شد ، تا سلطنت را از برادرزاده خویش بستاند ، سپاه قاورد و سپاه ملکشاه درناحیه کرج نزدیک همدان بهم رسیدند و جنگی سخت بین آنان روی داد که سه شبانه روز ادامه داشت .

سرانجام قاورد شکست یافت و خود با دو پسرش اسیر گشتند ، ملکشاه قاورد را بقتل رسانید و پسرانش امیرانشاه و سلطانشاه را کور کرد (اما سلطانشاه تیروی سنای خویش را چندان از دست نداد که نتواند بجای پسر بازگردد و حکومت کرمان را در دست گیرد) در همین اثنا آلتگین خان سمرقند بر ترمذ

مستولی شد و سپاه ایاز برادر ملکشاه را مغلوب ساخت ، درناحیه دیگر ابراهیم فرمانروای غزنه عمومی ملکشاه یعنی عثمان را دستگیر کرد و او را با خزانه و اموالش به افغانستان برد ، لیکن امیر گمشنگین و ملازمش انوشتگین (جد اعلای خوارزمشاهیان) که مقدر بود سلسله خوارزمشاهیان یا پادشاهان خیوه را تأسیس کند ، درپی ابراهیم شناختند و سپاهش را درهم شکستند .

بالاخره ملکشاه با حسن سیاست و تدبیر خواجه نظام‌الملک طوسی وزیر مقندر آلبارسلان که در این هنگام عنوان وزارت ملکشاه را نیز عهده داربود بتمامی این طوفانهای سهمگین که از هر طرف متوجه سلطنت وی شده بود با آشوب و شورشی که از ناحیه برادرش برپا شده بود غالب آمد ، و پس از پنج سال از جلوس ملکشاه استحکام بنیان سلطنت وی بجایی رسید که توانست به خارج مرز متوجه شده و بروزت مملکت بیفزاید .

سرداران و سران لشکر او در غرب قسمت اعظم شام و مصر را تحت اطاعت آورد و نیز در شرق نه فقط بخارا و سمرقند را بتصرف درآوردند بلکه از امیر کاشغر هم باج و خراج گرفتند و وی ناگزیر گردید که در سکه‌های خود تفوق سلجوقیان را تصدیق و اعتراف نماید .

### خلافت مقتدی با مأمور الله

در سال ۴۶۷ هجری قائم بامیر الله خلیفه عباسی وفات یافت ، علت مرگ او را چنین توشته‌اند ( وی فصلد کرد و خوابید ) ، چون در خواب شده بود موضع فصلد گشوده گشته بود ، و خون بسیار آمده بود تا قوتش برداشت و هلاک شد ) ( ۲ ) بعد از وی فرزندش ابوالقاسم عبدالله بن قائم معروف به المقتدی بامیر الله بخلافت نشست .

( بقیه در شماره آینده )